

روندپژوهی خطرات ژئوپلیتیکی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در افق ۱۴۰۴

* فرشته میرحسینی
** محمدرحیم عیوضی
*** عباس کشاورز شکری

چکیده

بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر قدرت یک کشور نشان‌دهنده تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی بر جایگاه آن کشور در نظام قدرت منطقه‌ای است. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران جایگاه مهمی در نظام قدرت غرب آسیا دارد. در کنار لزوم توجه به مزیت‌های ژئوپلیتیکی، ارتقای جایگاه ایران در نظام قدرت منطقه‌ای، مستلزم شناسایی خطرات ژئوپلیتیکی است که با آن مواجه خواهد بود. هدف پژوهش، روندپژوهی خطرات ژئوپلیتیکی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در افق ۱۴۰۴ با رویکرد آینده‌پژوهانه و با استفاده از روش تحلیل روند است. مطابق با یافته‌های پژوهش، افزایش تنش میان ایران و عربستان، افزایش تقابل آمریکا و ایران، تشدید رقابت‌های مذهبی و قومی، توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی، کاهش سطح همگرایی در منطقه، ترویج ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، افزایش قدرت بنیادگرایان سلفی، افزایش رقابت‌های تسلیحاتی، گسترش بحران در منابع، افزایش دولت‌های ناکامیاب و مداخله‌گرایی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، از مهم‌ترین خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آینده جایگاه ایران در غرب آسیا در افق ۱۴۰۴ است.

واژگان کلیدی

آینده‌پژوهی، روندپژوهی، خطرات ژئوپلیتیکی، غرب آسیا.

*. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی دانشگاه شاهد و مدرس گروه معارف اسلامی.

fereshte.mirhosieni@yahoo.com

danesh.mr@yahoo.com

** استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد و مدرس گروه معارف اسلامی.

abbaskeshavarze@yahoo.com

*** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۸

طرح مسئله

غرب آسیا منطقه‌ای مهم از بعد ژئوپلیتیکی، راهبردی و اقتصادی است که در عصر مدرن به دلیل اهمیت فزاینده نفت، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. امنیت و ثبات در این منطقه شکننده است؛ بنابراین الگوهای نظم منطقه‌ای همواره در وضعیتی مبهم و متغیر قرار داشته است. در دهه سوم قرن ۲۱، همچنان اخبار مربوط به غرب آسیا مهم و نگران‌کننده است. سال‌ها جنگ در سوریه فاجعه انسانی و جمعیت گسترده‌ای از آوارگان را به همراه داشته است. یمن به دلیل درگیری‌های نظامی که با مداخلات خارجی تشدید شد با قحطی و ناامیدی مواجه است. خاشقچی در کنسولگری عربستان در ترکیه به قتل رسید. ترکیه که زمانی الگویی برای ایجاد دموکراسی در منطقه بود به سمت دیکتاتوری تغییر جهت داده است. گزارش‌های مربوط به نقض حقوق بشر در بحرین و همچنین سرکوب اعتراضات مسالمت‌آمیز در مصر مشاهده می‌شود.

با توجه به قرار داشتن ایران در غرب آسیا، ویژگی‌های مرتبط با موضوعات ژئوپلیتیکی منطقه، چالش‌هایی برای کشور به همراه داشته است. قرار گرفتن در یک منطقه ناامن برای ایران مخاطره‌آفرین و هزینه‌بردار است و کاهش این هزینه‌ها نیازمند شناسایی دقیق خطرات ژئوپلیتیکی با نگاهی آینده‌پژوهانه است. روندپژوهی و آگاهی از خطرات ژئوپلیتیکی به منظور شناسایی و مقابله با آنها از الزامات راهبردی در سیاست خارجی است. پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که «مهم‌ترین خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آینده جایگاه جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در افق ۲۰۲۵ کدامند؟». بنابراین هدف اصلی پژوهش روندپژوهی خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا است و بررسی میزان تأثیرگذاری هر یک از این عوامل بر کشور می‌تواند موضوع پژوهش‌های مستقل دیگری قرار گیرد. گرچه شناسایی و پیش‌بینی روندهای آینده در منطقه غرب آسیا به دلیل شتاب بالای تحولات منطقه، اختلافات گسترده میان کشورهای منطقه و دخالت قدرت‌های بزرگ دشوار است. به گفته کاتوزیان «در منطقه‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر همچون خاورمیانه به داشتن علم پیامبری نیاز است تا بتوان آینده را با میزانی از قطعیت پیش‌بینی کرد و حتی ممکن است او هم فریب رویدادها را بخورد». (حافظیان، ۱۳۸۸: ۶۲)

پژوهش‌هایی درباره خطرات ژئوپلیتیکی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا صورت گرفته است، اما اغلب آنها نگاه جامع و آینده‌نگر نسبت به موضوع نداشته، با رویکرد جزء‌حور و با تمرکز بر یک موضوع خاص نوشته شده‌اند. لذا این پژوهش تلاش می‌کند به کاهش خلأ علمی در این زمینه بپردازد. در این پژوهش از روش تحلیل روند با رویکرد کیفی استفاده شده است؛ براساس

این آینده یک‌باره اتفاق نمی‌افتد و از اکنون نشانه‌های آن قابل مشاهده است. ترسیم چشم‌انداز آینده یک کشور یا منطقه نیازمند شناسایی و تحلیل «کلان‌روندها» است. «کلان‌روندها» تحولاتی بنیادین هستند که دامنه و گستره تأثیر بالایی دارند و آینده در پرتو آنها ساخته می‌شود. (کاظمی و نظامی، ۱۳۹۹: ۱۰۹) مخاطب اصلی روندپژوهی «سیاست‌گذاران» هستند، بنابراین روندپژوهی در مراکز پژوهشی جهان به جریانی فراگیر برای فهم جهان امروز و آینده تبدیل شده است. در این پژوهش، ابتدا با مراجعه به مطالعات آینده‌پژوهانه پژوهشکده‌های معتبر بین‌المللی روندهای تأثیرگذار در منطقه جمع‌آوری شد. سپس از میان روندهای جمع‌آوری شده مهم‌ترین خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران شناسایی شد. مطابق با یافته‌های پژوهش افزایش تنش میان ایران و عربستان، افزایش تقابل منافع آمریکا و ایران، تشدید رقابت‌های مذهبی و قومی، توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی، کاهش سطح همگرایی در منطقه، ترویج ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، افزایش قدرت بنیادگرایان سلفی، افزایش رقابت‌های تسلیحاتی، گسترش بحران در منابع، افزایش دولت‌های ناکامیاب و مداخله‌گرایی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، از موارد مهم خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آینده جایگاه جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در افق ۲۰۲۵ خواهد بود.

چارچوب مفهومی

۱. روندپژوهی

نیاز به روش علمی جهت رویارویی با تغییرات و تحولات آینده منجر به ایجاد علم آینده‌پژوهی شده است. سهیل عنایت‌الله آینده‌پژوهی را «علم مطالعه آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح و بن‌مایه‌ها و اسطوره‌های هر کدام تعریف می‌کند». یکی از روش‌های پرکاربرد در مطالعات آینده، روندپژوهی است که از آن برای پیش‌بینی، برنامه‌ریزی احتمالی، تجزیه و تحلیل امکان‌سنجی، برنامه‌ریزی راهبردی و سناریونویسی استفاده می‌شود. روندها براساس این پیش‌فرض که تغییرات در جهان دارای پیوستگی تاریخی است شکل می‌گیرند؛ روند از گذشته آغاز و تا آینده ادامه می‌یابد (البرزی دعوتی و نصراللهی، ۱۳۹۷: ۱۱۰ - ۱۰۵) بنابراین روند باید به‌طور جامع دربرگیرنده مسائل باشد، چرخه عمر طولانی از گذشته، حال و آینده را دربرگیرد و بتواند آینده را تغییر دهد نه اینکه تأثیرپذیر باشد. این خصوصیت روند باعث می‌شود بتوان در فعالیت‌های آینده‌پژوهی از آن استفاده کرد. البته همه روندها در آینده‌پژوهی از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند؛ از برخی روندها با عنوان روندهای کلیدی نام برده می‌شود که اهمیت و تأثیر بیشتری دارند.

در روش تحلیل روند پژوهشگر باید با اتخاذ موضعی تاریخی و استفاده از داده‌های متنوع، اصلی‌ترین، بنیادی‌ترین و پایدارترین الگوهای تغییر را در متن انبوه تحولات و رویدادهای گذشته و حال شناسایی و به اتکای آنها چشم‌اندازی از آینده ارائه دهد. در تحلیل کیفی روند فرض بر این است که حوادث آینده ناگهانی رخ نمی‌دهد و از اکنون نشانه‌هایی برای پیش‌بینی آنها وجود دارد. «کورنیش» روش تحلیل روند را بررسی یک روند برای کشف ماهیت، علت‌های بروز، سرعت توسعه و پیامدهای آن توصیف می‌کند. هدف اصلی «روندپژوهی»، ارائه تجویزهای آینده‌ساز است. روندپژوهی، داده‌های خام و پردازش‌شده در دیده‌بانی را دریافت می‌کند و با استنباط روابط بین آنها، به انبوه داده‌ها، نظم و معنا می‌دهد (حافظیان، ۱۳۸۸: ۲۸)

یکی از پژوهشگرانی که از الگوی تحلیل روند برای آینده‌پژوهی استفاده کرده، «جان نیزبیت» است. الگوی تحلیلی نیزبیت متمرکز بر شناسایی کلان روندهایی است که آینده تحت‌تأثیر آنها ساخته خواهد شد. این روندها الگوهای «دگرگونی و تحول بزرگ» یا «تغییرات بزرگ مقیاس در شرایط و الگوها» هستند که در محیط پیچیده و متنوع پیرامون قابل شناسایی‌اند و نشان‌دهنده دگرگونی کلان در جهتی خاص هستند. روندهای کلان جریان‌هایی نیستند که به سرعت بیابند و بروند. این دگرگونی‌های عظیم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فنی به کندی شکل می‌گیرند و هنگامی که مستقر شدند برای مدتی بین هفت تا ده سال یا بیشتر ما را تحت‌تأثیر خود قرار خواهند داد. آنها الگوهای دگرگونی هستند که با ویژگی‌هایی چون «ساختاری بودن»، «پایداری و دوام زمانی»، «دامنه» و «گستره تأثیر» بالا قابل شناسایی‌اند.

منظور از ساختاری بودن آن است که روندهای کلان فراتر از رویدادهای پراکنده و جزئی، برآیند طیف وسیعی از رویدادها و اتفاقات پراکنده در جامعه هستند و در پس‌زمینه طیف وسیعی از پدیده‌ها قرار دارند. منظور از پایداری زمانی آن است که روندهای کلان برخلاف اتفاقات زودگذر که ظهور و افول سریع دارند مستمرند و برجستگی و تأثیرگذاری‌شان در زمان دوام دارد. منظور از دامنه تأثیر تعداد افراد و گروه‌هایی است که تحت‌تأثیر آن قرار دارند. گستره تأثیر نیز تعداد موضوعات و حیطه‌هایی از جامعه است که تحت‌تأثیر آن قرار می‌گیرند. (کاظمی و نظامی، ۱۳۹۹: ۱۱۰ - ۱۰۹)

در پایش روند ابتدا باید هدف از تحلیل روند مشخص شود. هدف این پژوهش شناسایی خطرات ژئوپلیتیکی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا در افق ۲۰۲۵ است. در مرحله بعد باید حوزه و شرایط محیطی روند بررسی شود؛ بنابراین به جمع‌آوری روندهای مرتبط با منطقه غرب آسیا براساس مطالعات آینده‌پژوهانه پژوهشکده‌های معتبر بین‌المللی پرداخته شد. بعد از جمع‌آوری روندها،

به دلیل تعدد روندها، تنها کلان‌روندها با موضوعات ژئوپلیتیکی و در سطح راهبردی براساس شاخص «ساختاری بودن»، «پایداری زمانی»، «دامنه تأثیر» و «گستره تأثیر» بالا، احصاء شد. سپس روند مربوطه در حوزه و فضای محیطی تعریف شده توصیف گردد.

۲. خطر ژئوپلیتیکی

«ژئوپلیتیک» از نظر تاریخی برای توصیف عملکرد دولت‌ها به منظور کنترل و رقابت برای قلمرو استفاده می‌شد. اما در دهه‌های اخیر مبارزات قدرت، شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های شورشی و احزاب سیاسی به‌عنوان بخشی از ژئوپلیتیک طبقه‌بندی می‌شوند. امروز واژه ژئوپلیتیک مجموعه متنوعی از حوادث مثل حملات تروریستی، تغییرات آب و هوایی، برگزیت و بحران مالی جهانی را دربرمی‌گیرد (Dario & Lacoviello, 2018: 6) بنابراین در تعریف «خطر ژئوپلیتیکی» موقعیت‌هایی شناسایی می‌شود که در آن مبارزات قدرت بر سر قلمروها به شکل مسالمت‌آمیز و دموکراتیک حل نشود. براساس این «خطر ژئوپلیتیکی» به‌عنوان خطر ناشی از جنگ، اقدامات تروریستی و تنش بین کشورها تعریف می‌شود که بر روند مسالمت‌آمیز روابط بین‌الملل تأثیر می‌گذارند.

۳. روندهای تأثیرگذار در منطقه غرب آسیا

پیش‌بینی روندهای امنیتی در غرب آسیا امکان‌پذیر نیست و عدم قطعیت درباره پویایی‌های امنیتی آینده غرب آسیا بالا است. اکنون غرب آسیا یک نظام چندقطبی است که فاقد هنجارها، نهادها و سازوکارهای متعادل‌کننده برای محدود کردن استفاده از زور است (Hazbun, 2018: 2) غرب آسیا دارای محیط پیچیده است که به‌ویژه پس از حمله آمریکا به عراق (۲۰۰۳) و با ظهور بیداری اسلامی پیچیده‌تر شده است. پیچیدگی غرب آسیا را می‌توان به دلیل تنوع قومیت‌ها، مذاهب و سبک‌های حکومتی متفاوت دولت‌های منطقه و نبود سازمان منطقه‌ای متعهد دانست. این عوامل با هم ایجاد نظم در منطقه را به کاری دشوار تبدیل کرده است. این موضوع کاملاً مشخص است که مسئله نظم در غرب آسیا به دلیل مداخله خارجی به‌سختی قابل حل و فصل است و تلاش‌های بیرونی برای ایجاد نظم در منطقه شکست خورده است. (Oztork, 2017: 7)

منطقه منا در دهه‌های اخیر تغییرات قابل توجهی داشته است که ناشی از ترکیبی از عوامل مادی و ایدئولوژیکی از جمله شرایط، رویدادها و روندهای فعلی و آینده است؛ خیزش عرب، افزایش جمعیت جوانان، شهرنشینی، فرقه‌گرایی، بازیگران غیردولتی، تکثیر هسته‌ای، دولت‌های شکننده (عراق، لبنان، مصر، تونس)، مهاجرت (اجباری)، فشار بر منابع طبیعی، تغییرات محیطی به‌ویژه تخریب اراضی،

تغییرات آب و هوایی، وابستگی برخی از کشورها به منابع فسیلی برای تولید درآمد از جمله این روندهاست. (Mulligan & others, 2017: 2)

در گزارش «کشمکش در مذاکرات خاورمیانه و شمال آفریقا» مهم‌ترین چالش‌های منطقه غرب آسیا به سه دسته تقسیم شده است: ۱. درگیری‌های فرعی اولیه؛ ۲. درگیری‌های فرعی ثانویه؛ ۳. مسائل متقاطع.

درگیری‌های فرعی «اولیه» به بی‌ثبات‌ترین درگیری‌ها در منطقه اشاره دارد. ویژگی اصلی آنها این است که فراتر از مرزهای خود دارای تأثیرات قابل‌توجهی هستند. این موارد عبارتند از: مناقشه رژیم صهیونیستی - فلسطین، برنامه هسته‌ای ایران، جنگ داخلی لیبی، جنگ داخلی سوریه و جنگ داخلی یمن.

درگیری‌های فرعی «ثانویه» حاکی از درگیری‌هایی است که بی‌حرکتند و نتایج بی‌ثبات‌کننده در ورای مرزهای خود ندارند. این درگیری‌ها شامل درگیری در صحرای غربی، درگیری بین سودان و سودان جنوبی و موضوعات مربوط به خودمختاری کردها است.

موضوعات موازی (هم‌راستا) به چالش‌های اساسی که بر بازیگران مختلف در منطقه تأثیرگذار است اشاره دارد و بیشترین ناپایداری منطقه‌ای و جهانی را ایجاد می‌کند. این موارد عبارتند از: بحران جابه‌جایی اجباری منطقه‌ای، مسائل مربوط به دموکراسی و حقوق بشر، رقابت بین قدرت‌های بزرگ برای نفوذ منطقه‌ای، انرژی و ثبات اقتصادی، چالش‌های مربوط به محیط‌زیست و آب، رقابت منطقه‌ای شیعه و

سنی، رشد تروریسم و گسترش اسلام سیاسی (Babbitt and others, 2017: 18) مطابق

فرضیه این گزارش تمام درگیری‌ها در منا به‌هم‌پیوسته در درون یک سیستم تضاد منطقه‌ای پیچیده قرار دارند. نگاه به‌هم‌پیوسته به چالش‌های منطقه موضوع مهمی است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است، اما از طرفی با نگاهی بدبینانه برنامه هسته‌ای ایران در دسته درگیری فرعی اولیه قرار گرفته و از آن با عنوان سلاح هسته‌ای ایران یاد شده است.



شکل ۱. سیستم تضادها در منطقه منا (Babbitt and others, 2017: 18)

تاکنون تحقیقات متعددی با موضوع روند پژوهی آینده منطقه غرب آسیا صورت گرفته است که در ادامه به مهم‌ترین و جدیدترین آنها اشاره خواهیم داشت:

براساس پژوهش «خاورمیانه در ۲۰۲۰؛ تأثیرگذار یا تأثیرپذیر از روندهای جهانی»، آینده غرب آسیا طیف گسترده‌ای از رشد و توسعه شکننده تا بی‌ثباتی مزمن و درگیری‌های بالقوه منطقه‌ای را دربر خواهد گرفت. نظام دولت عربی با خطر تجزیه برخی کشورها مانند سوریه و عراق مواجه است. چشم‌انداز اقتصادی، تاریک و نرخ بیکاری رو به افزایش است. از نظر جمعیتی، جمعیت جوان طی پنج تا ده سال آینده به‌عنوان پیش‌ران باقی خواهد ماند. جمعیت جوان سرمایه است اما با توجه به سطح بالای بیکاری در منطقه، احتمالاً عامل بی‌ثبات‌کننده خواهد بود. روند قیمت بالای مواد غذایی تهدیدی برای ثبات سیاسی و اجتماعی در چندین کشور غرب آسیا است. در کل منطقه، سطح تحصیلات از سایر مناطق پایین‌تر است (Burrows, 2014: 1) با نگاهی به روندهای استخراج‌شده در این پژوهش شاهد توجه بیشتر به روندهای اقتصادی و اجتماعی و غفلت نسبت به روندهای مهم و تأثیرگذار سیاسی، امنیتی و زیست‌محیطی هستیم.

پژوهش «آینده اعراب، سه سناریو برای سال ۲۰۲۵» نمایی همه‌جانبه از منطقه با تمرکز روی خلأهای امنیتی و ظهور تروریسم ارائه می‌دهد. این گزارش شامل کلان‌روندها، تغییردهندگان بازی، سناریوهای بالقوه و شگفتی‌سازها است. این پژوهش سه سناریو برای آینده منطقه غرب آسیا در افق زمانی کوتاه‌مدت ارائه می‌دهد. طبق این گزارش کلان‌روندهای زیر در آینده غرب آسیا اهمیت ویژه‌ای دارند و به‌عنوان عوامل اصلی زمینه‌ساز تغییرات مهم در نظم منطقه‌ای شناخته می‌شوند.

جدول ۱. کلان‌روندها و تغییردهندگان بازی در غرب آسیا

(EU Institute for Security Studies, 2015: 12- 13)

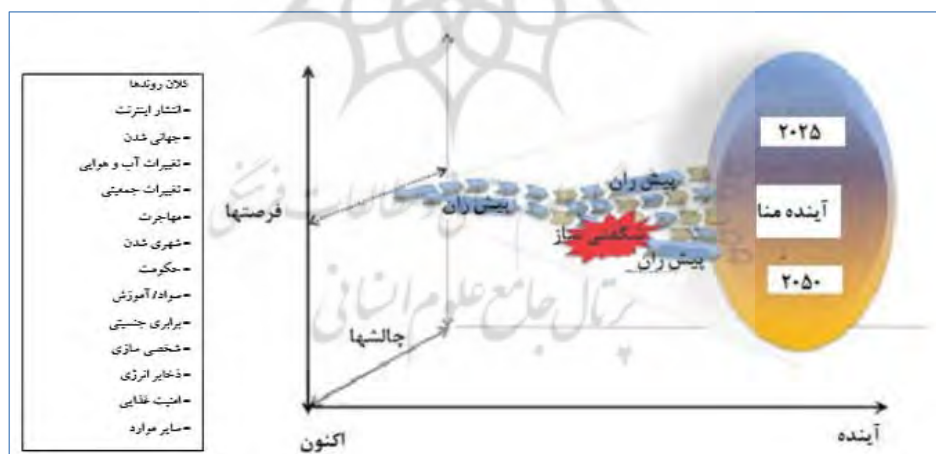
کلان‌روندها	
جمعیت‌شناسی	با وجود کاهش نرخ باروری، جمعیت جهان عرب از ۳۵۷ میلیون به ۴۶۸ میلیون نفر افزایش می‌یابد.
شهرنشینی	تعداد شهروندان عرب ساکن شهرها از ۵۶ درصد به بیش از ۶۱ درصد افزایش می‌یابد.
تغییرات آب و هوایی	تغییرات آب و هوایی به‌شدت جهان عرب را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد و چالش‌های کمبود آب و بیابان‌زایی را تشدید می‌کند. همچنین، افزایش سطح دریا بر مناطق پرجمعیت ساحلی تأثیر خواهد گذاشت.
انرژی	کشورهای عربی تولیدکننده نفت، در اقتصاد همچنان به هیدروکربن‌ها وابسته هستند.
قیمت مواد غذایی	همه کشورهای عربی مواد غذایی را وارد می‌کنند و در برابر قیمت مواد غذایی آسیب‌پذیر خواهند بود.

نرخ سواد	پیش‌بینی می‌شود سواد همچنان افزایش یابد و در سال ۲۰۲۵ به ۹۰ درصد برسد.
نفوذ اینترنت	پیش‌بینی می‌شود دسترسی به شبکه جهانی اینترنت از ۲۵ درصد به ۵۰ درصد افزایش یابد.
برابری جنسیتی	سرعت پیشرفت کند است، اما تعداد زنان در سیاست و تجارت در حال افزایش است.
تغییردهندگان بازی	
بیکاری جوانان	آیا کشورهای عربی اقدامات لازم را برای کاهش میزان بیکاری انجام می‌دهند؟
وابستگی به قیمت ناپایدار مواد غذایی	آیا کشورهای عربی قادر به کاهش اثرات اختلال در نوسانات قیمت مواد غذایی خواهند بود؟
ناامنی	آیا کشورهای عربی قادر به مهار یا شکست تروریسم و مقابله با ناامنی هستند؟
سرریز منطقه‌ای	آیا کشورهای ناامن منطقه می‌توانند خود را از فضای ناامن در سوریه، لیبی و عراق محافظت کنند؟
تغییر دموکراتیک	آیا نمونه تونس اثرات موج‌دار در منطقه ایجاد خواهد کرد؟ آیا دموکراتیک شدن موفق تونس انگیزه بیشتری برای تظاهرات ایجاد می‌کند یا شکست پروژه دموکراتیک‌سازی امکان سرکوب بیشتر را فراهم می‌آورد؟
شمولیت	آیا اسلام سیاسی به نیروی یکپارچه تبدیل یا سرکوب خواهد شد؟

گزارش «ادراک مجدد از نظم در منا» با تجزیه و تحلیل مطالعات آینده‌پژوهی چندین کلان روند در ارتباط با منطقه را مطرح کرده است. از جمله: تغییرات جمعیتی، شهرنشینی، تغییر آب و هوا، روندهای انرژی، امنیت غذایی، سواد / آموزش، نفوذ به اینترنت و فناوری، برابری جنسیتی / فردگرایی، روند دین‌داری / سکولاریزاسیون، نظامی‌سازی، امنیت‌سازی، حکومت و جهانی‌سازی. (Soleri & others, 2016: 96)

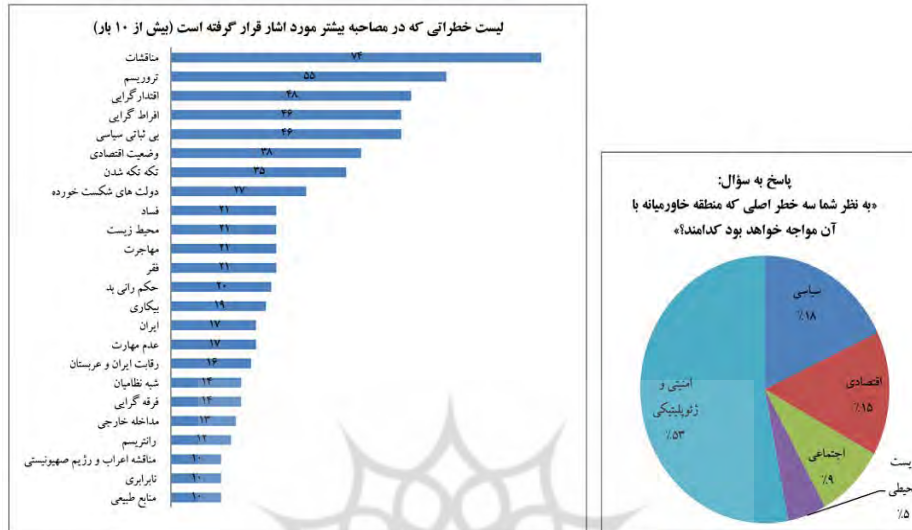
شکل ۲. مخروط آینده براساس کلان روندهای استخراج شده در منطقه منا

(Soleri & others, 2016: 95)



مؤسسه «منارا» در پروژه «آینده‌های متصور برای خاورمیانه و شمال آفریقا» به استخراج روندهای تأثیرگذار بر آینده «منار» پرداخته است. این گزارش با استفاده از ترکیبی از تکنیک‌های تحقیقاتی مختلف (مصاحبه، نظرسنجی دلفی و گروه‌های متمرکز) نمونه بزرگ و متنوعی برای درک آینده احتمالی منطقه و چالش‌های اصلی که جوامع و دولت‌های منطقه با آن مواجه هستند، جمع‌آوری کرده است. نتایج گزارش در قالب شکل زیر ترسیم شده است.

شکل شماره ۳. خطرات اصلی آینده منا (6: 2019, Goll and others)



مطابق نظر پاسخ‌دهندگان مهم‌ترین موضوعات تأثیرگذار بر آینده منطقه غرب آسیا به ترتیب شامل: امنیتی و ژئوپلیتیکی (۵۳ درصد)، سیاسی (۱۸ درصد)، اقتصادی (۱۵ درصد)، اجتماعی (۹ درصد)، زیست‌محیطی (۵ درصد) همچنین، ۲۴ موضوع به‌عنوان مهم‌ترین روندهای تأثیرگذار بر آینده منطقه غرب آسیا شناسایی شده‌اند که عبارتند از: مناقشات، تروریسم، اقتدارگرایی، افراط‌گرایی، بی‌ثباتی سیاسی، وضعیت اقتصادی، تکه‌تکه شدن، دولت‌های شکست‌خورده، فساد، محیط‌زیست، مهاجرت، فقر، حکمرانی بد، بیکاری، ایران، عدم‌مهارت، رقابت ایران و عربستان، شبه‌نظامیان، فرقه‌گرایی، مداخله خارجی، رانتیرسم، مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی، نابرابری و منابع طبیعی. این پژوهش به استخراج روندها در حوزه‌های مختلف پرداخته است و براساس این توانسته نگاه جامع‌تری درباره روندها در منطقه غرب آسیا داشته باشد.

در ادامه براساس مطالعات آینده‌پژوهی مطرح‌شده مهم‌ترین پیش‌ران‌های تأثیرگذار بر جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا احصاء شد.

جدول ۲. پیش‌ران‌های تأثیرگذار بر جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا (نویسندگان)

شماره	پیش‌ران‌ها در منطقه غرب آسیا	نوع پیش‌ران	سطح	عدم قطعیت
۱	رابطه ایران و عربستان	سیاسی	منطقه‌ای	تنش بین ایران و عربستان افزایش خواهد یافت.
				تنش بین ایران و عربستان کاهش خواهد یافت.
۲	رابطه ایران و آمریکا	سیاسی	بین‌المللی	تنش بین ایران و آمریکا افزایش خواهد یافت.
				تنش بین ایران و آمریکا کاهش خواهد یافت.
۳	مداخله‌گرایی قدرت‌های فرامنطقه	سیاسی	بین‌المللی	مداخله‌گرایی قدرت‌های فرامنطقه در منطقه افزایش خواهد یافت.
				مداخله‌گرایی قدرت‌های فرامنطقه در منطقه کاهش خواهد یافت.
۴	رقابت‌های مذهبی و قومی	فرهنگی	منطقه‌ای	رقابت‌های مذهبی و قومی افزایش خواهد یافت.
				رقابت‌های مذهبی و قومی کاهش خواهد یافت.
۵	رابطه اعراب و رژیم صهیونیستی	سیاسی	منطقه‌ای	رابطه اعراب و رژیم صهیونیستی تقویت خواهد شد
				رابطه اعراب و رژیم صهیونیستی تضعیف خواهد شد
۶	سطح همگرایی در منطقه	سیاسی	منطقه‌ای	سطح همگرایی در منطقه افزایش خواهد یافت.
				سطح همگرایی در منطقه کاهش خواهد یافت.
۷	دولت‌های شکست خورده	سیاسی	منطقه‌ای	دولت‌های شکست خورده افزایش خواهد یافت.
				دولت‌های شکست خورده کاهش خواهد یافت.
۸	ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی	فرهنگی	بین‌المللی	ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی افزایش خواهد یافت.
				ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی کاهش خواهد یافت.
۹	تروریسم	نظامی-امنیتی	بین‌المللی	تروریسم افزایش خواهد یافت.
				تروریسم کاهش خواهد یافت.
۱۰	رقابت تسلیحاتی	نظامی-امنیتی	بین‌المللی	رقابت‌های تسلیحاتی افزایش خواهد یافت.
				رقابت‌های تسلیحاتی کاهش خواهد یافت.
۱۱	بحران‌های زیست‌محیطی	زیست‌محیطی	منطقه‌ای	بحران‌های زیست‌محیطی افزایش خواهد یافت.
				بحران‌های زیست‌محیطی کاهش خواهد یافت.

۴. روندپژوهی خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران

در منطقه غرب آسیا در افق ۲۰۲۵

تجزیه و تحلیل روندهای منطقه غرب آسیا نشان می‌دهد که کمیت و شدت چالش‌ها بر فرصت‌ها پیشی گرفته است و اکثر روندهای منطقه منفی هستند. تا سال ۲۰۲۵ غرب آسیا از ناآرام‌ترین مناطق جهان باقی خواهد ماند که خطرات ژئوپلیتیکی مهمی را در خود جای خواهد داد. براساس مهم‌ترین پیش‌ران‌های استخراج‌شده و عدم قطعیت‌های مرتبط با هریک، مهم‌ترین خطرات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا در افق ۲۰۲۵ به این شرح است:

یک. افزایش تنش میان ایران و عربستان

عربستان و ایران دو قدرت منطقه‌ای اصلی در غرب آسیا هستند که رابطه آنها عاملی تعیین‌کننده در ژئوپلیتیک غرب آسیا است. در طول جنگ سرد، ایران و عربستان دو قطب سیاست خارجی آمریکا در غرب آسیا بودند اما با وقوع انقلاب اسلامی این توازن تغییر کرد (Shoamanesh, 2020). رابطه جمهوری اسلامی ایران و عربستان هیچ‌گاه در سطح مطلوبی نبوده است. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور شیعه و عربستان سعودی به‌عنوان یک کشور سنی، اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی متعددی دارند که منافع متضادی را برای آنها به همراه دارد؛ ایران و عربستان نمایانگر دو نظام سیاسی مجزا و دو رویکرد متفاوت در سیاست‌گذاری خارجی هستند. نظام سیاسی ایران و عربستان مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است اما اصول ارزشی آنها ناشی از دو تفسیر متفاوت از اسلام است. سقوط صدام حسین (۲۰۰۳) و تحولات بیداری اسلامی (۲۰۱۱) اختلافات میان این دو قدرت را افزایش داد (Behzad, 2018: 124). حمله نظامی عربستان به شیعیان حوثی، حادثه منا، تشکیل ائتلاف نظامی اسلامی، اعدام شیخ نمر و قطع روابط میان ایران و عربستان از جمله موضوعات تقویت‌کننده بی‌اعتمادی بین دو کشور در سال‌های اخیر است. بی‌اعتمادی دو کشور نسبت به یکدیگر باعث ایجاد شرایط هرج‌ومرج گونه‌ای در سطح منطقه شده است. (روحی دهبه، ۱۳۹۶: ۹۲) امروز حوزه‌های نفوذ مورد اختلاف دو کشور شامل یمن، لبنان، عراق و سوریه است. (Osiewicz, 2016: 115 - 116)

دو. افزایش تقابل منافع ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران

کشمکش میان ایران و آمریکا با کودتای ۱۳۳۲ شروع شد و با وقوع انقلاب اسلامی به اوج رسید. خصومت بین ایران و آمریکا در طول دهه‌های بعد از وقوع انقلاب اسلامی باعث شد تا تنش و درگیری نظامی بین ایران و آمریکا به‌عنوان یکی از شرایط محتمل بین دو کشور مطرح شود. این تضاد به‌ویژه از سال ۲۰۰۳ به دلیل اختلاف نظر درباره نقش دو طرف در غرب آسیا افزایش یافت. دو کشور افزایش نقش دیگری در منطقه را در تضاد با امنیت و منافع ملی خود می‌دانند؛ مسائلی چون برنامه هسته‌ای ایران، حمایت ایران از سازمان‌هایی که واشنگتن آنها را گروه‌های تروریستی می‌داند، مسائل مربوط به حقوق بشر و نفوذ ایران در عراق، سوریه و یمن از جمله موارد مورد اختلاف میان دو کشور است. (Barzegar, 2018: 85)

در دوره اوباما به‌ویژه با امضای برجام سطح تنش‌ها و تهدیدهای نظامی علیه ایران کاهش یافت. اما ترامپ بار دیگر سطح تنش‌های امنیتی و تهدیدهای آمریکا علیه ایران را افزایش داد. توسعه سیاست‌ها و رویکردهای خصمانه آمریکا در قبال ایران در دوره ترامپ یکی از مهم‌ترین مسائل در

عرصه نظامی و امنیتی محسوب می‌شود. خروج ترامپ از برجام (مه ۲۰۱۸)، تأکید وی بر مقابله با برنامه‌های موشکی ایران و محدود کردن نقش منطقه‌ای ایران به‌عنوان بسترهای اصلی گسترش تنش بین ایران و آمریکا محسوب می‌شود. ضمن اینکه دولت ترامپ به اتخاذ رویکردهای سخت‌گیرانه در قبال جمهوری اسلامی ایران و عدم تساهل در قبال مسائل نظامی و امنیتی تأکید دارد. بنابراین در شرایط جدید افزایش خصومت آمریکا با ایران و تلاش برای گسترش سطح تنش با ایران واضح‌تر شده است. در آوریل ۲۰۱۹، ایالات متحده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را سازمانی تروریستی معرفی کرد. دولت ترامپ از اواسط ۲۰۱۹ اقدامات خود را در زمینه اعمال «فشار حداکثری» بر جمهوری اسلامی ایران انجام داد. ترور سردار سلیمانی تجلی دیگری از سیاست فشار حداکثری واشنگتن بر ایران بود. در واقع ترور هدفمند رهبر بلندیایه نظامی کشور شکاف مهمی در رابطه ایران و آمریکا ایجاد کرد (Shoamanesh, 2020) به شهادت رسیدن سردار سلیمانی واکنش جمهوری اسلامی ایران در قالب حمله موشکی به پایگاه هوایی آمریکا در بغداد (۲ ژانویه ۲۰۲۰) را به همراه داشت. همچنین در تاریخ ۵ ژانویه ۲۰۲۰ جمهوری اسلامی ایران در گام پنجم کاهش تعهدات خود آخرین مورد کلیدی از محدودیت‌های عملیاتی خود در برجام یعنی محدودیت در تعداد سانتریفیوژها را کنار گذاشت. بدین ترتیب برنامه هسته‌ای ایران با محدودیتی در حوزه عملیاتی مواجه نیست و از این به بعد برنامه هسته‌ای ایران صرفاً براساس نیازهای فنی خود پیش خواهد رفت.

سه. تشدید رقابت‌های مذهبی و قومی

از مسائل مهم و تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک غرب آسیا تنش‌های فرقه‌ای است؛ اسلام سیاسی شیعی و سنی به‌رغم تلاش برای حداکثری کردن نقش اسلام در جامعه اسلامی و نظام بین‌الملل در چگونگی تأسیس نظام سیاسی اسلامی با هم تفاوت‌هایی دارند. خوانش‌های ایرانی (شیعی)، اخوانی (سنی) و داعش (تکفیری) به‌عنوان خوانش‌های مطرح در غرب آسیا شناخته می‌شوند. خوانش شیعه ایرانی با بهره‌گیری از بنیان‌های معرفتی شیعی و تأکید بر ضرورت فراهم‌سازی شرایط تحقق حکومت حق و عدالت جهانی و تشکیل حکومت به نیابت از امام عصر^{علیه السلام} حکومت اسلامی (ولایت فقیه) را در ایران بنیان نهاد.

اخوان‌المسلمین با تکیه بر بنیان‌های معرفتی اسلامی و بازتعریف هویت اسلامی جریان فکری، اجتماعی و سیاسی مهم و گسترده‌ای در جهان اسلام تولید و سازماندهی کرد و حتی در پی انقلاب‌های عربی (۲۰۱۱) در غرب آسیا به‌صورت کوتاه‌مدت به حاکمیت سیاسی در مصر و تونس دست یافت. خوانش افراطی سلفی - تکفیری نیز با برداشتی سطحی از هویت اسلامی و با بهره‌گیری از خلأهای معرفتی در

مکتب فکری سلفیت، خوانش‌های دیگر گفتمان اسلام سیاسی در غرب آسیا و نظام بین‌الملل را به چالش کشید. داعش نمونه عینی خوانش افراطی سلفی - تکفیری است. (اکبری، ۱۳۹۷: ۹۰)

تکه‌تکه شدن اردوگاه اسلام‌گرایان موضوعی خطرناک است که در سال‌های آینده ادامه خواهد یافت. این اختلاف تنها درباره تقابل شیعه و سنی نیست بلکه همچنین درباره افزایش اختلافات میان اردوگاه سیاسی - مذهبی اهل سنت (ترکیه و عربستان) و همچنین تمایز بیشتر میان اسلام‌گرایان معتدل و گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال است (Kortunov, 2019) از جنگ‌های داخلی در عراق، سوریه و یمن تا رقابت منطقه‌ای بین ایران و عربستان تا راهبردهای حاکم در کشورهای مختلط مذهبی، فرقه‌گرایی در شکل‌گیری تحولات منطقه تأثیرگذار است (Martini & others, 1) این مسئله به‌ویژه بعد از وقوع انقلاب اسلامی برجسته شد؛ به‌ویژه این که ایران بزرگ‌ترین کشور شیعه در جهان است. همچنین، ایجاد یک دولت شیعی در عراق پس از اشغال آمریکا (۲۰۰۳) و افزایش درگیری شیعی و سنی در عراق، اختلافات فرقه‌ای را به موضوع مهم منطقه تبدیل کرد. علاوه بر این افزایش نفوذ ایران در منطقه و تقویت قدرت حزب‌الله لبنان و افزایش مطالبات سیاسی شیعیان حاشیه خلیج فارس اهمیت و تأثیرگذاری این موضوع را به سرعت افزایش داد. (Sinkaya, 2016: 22 - 23)

منبع دیگر چالش‌های امنیتی در غرب آسیا اقلیت‌های قومی هستند؛ کردها اقلیت نژادی هستند که در امتداد مرزها زندگی می‌کنند. تقریباً ۲۷ میلیون کرد در منطقه زندگی می‌کنند که ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت عراق، ۸ درصد جمعیت سوریه و ۷ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند (Bakr, 2013: 4) با تشکیل اقلیم خودمختار کردستان نگرانی از کردها در سایر کشورهای همسایه به‌ویژه ترکیه افزایش یافته است.

چهار. توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی و تلاش برای عادی‌سازی رابطه با اعراب

افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر فرصتی به عرب‌ها و صهیون‌ها برای هم‌گرایی بخشیده و آنها نگرش خود را نسبت به رژیم صهیونیستی تعدیل کرده‌اند. ایده همکاری راهبردی بین کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی بهترین راه‌حل برای تأمین امنیت رژیم صهیونیستی قلمداد می‌شود. (گزارش راهبردی سیاسی، ۱۳۹۵: ۴۴)

موضع‌گیری‌های هماهنگ ریاض و تل‌آویو درباره برنامه هسته‌ای و راهبردهای منطقه‌ای ایران در سال‌های اخیر به شکل‌گیری ائتلاف تاکتیکی بین آنها منجر شده است. این اتحاد در قبال تهدید مشترک، منجر شد تا عربستان موضعی در حد مواضع رژیم صهیونیستی علیه ایران اتخاذ و به جگنده‌های رژیم صهیونیستی اجازه عبور از خاک خود جهت حمله احتمالی به ایران بدهد. به نظر

می‌رسد جبهه ضد ایرانی عبری - عربی به‌طور فزاینده‌ای در حال تقویت باشد. توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی رژیم صهیونیستی و کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌ویژه عربستان، قطر، امارات و عمان و دیدارهای متعدد رهبران ریاض و تل‌آویو و آمادگی عربستان برای بازگشایی سفارت خود در رژیم صهیونیستی در این راستا قابل ارزیابی است. (اختیاری امیری، ۱۳۹۵: ۴۸ - ۴۷)

در حال حاضر رژیم صهیونیستی با پنج کشور مصر، اردن، مراکش، تونس و موریتانی روابط اقتصادی نزدیک دارد و در زمینه روابط سیاسی نیز با مصر، اردن و ترکیه روابط دیپلماتیک دارد. بنابراین گسترش رابطه رژیم صهیونیستی با سایر کشورهای منطقه از مهم‌ترین چالش‌هایی است که جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند. صهیونیسم‌ستیزی که یکی از ویژگی‌های اصلی سیاست عرب است متوقف شده و در مقابل خصومت مشترک با ایران و متحدانش موجب شکل‌گیری روابط جدید بین رژیم صهیونیستی و تعدادی از کشورهای عربی شده است. البته همبستگی با ملت فلسطین همچنان در بین مردم عرب مطرح است که این امر نشان‌دهنده شکاف فزاینده بین رژیم‌های عرب و مردم آنها است (DEL Sarto and others, 2019: 4) براساس «شاخص نظر عربی» (۲۰۱۸ - ۲۰۱۷) اکثریت عرب‌ها (۸۷ درصد) از به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی توسط کشورهای خود ناراضی هستند و تنها ۸ درصد آنها شناسایی رسمی دیپلماتیک آن را می‌پذیرند. (Arab Opinion Index 2017 - 2018, 2018)

پنج. کاهش سطح همگرایی در منطقه؛ فقدان نظام امنیت دسته‌جمعی

سیستم‌های همکاری منطقه‌ای موجود در غرب آسیا عموماً بی‌اثر هستند، یکپارچگی سیاسی وجود ندارد و سطح تجارت منطقه‌ای پایین است. بنابراین گرچه منطقه منا شاهد گسترش سازوکارهای همکاری منطقه‌ای از اواسط دهه ۱۹۴۰ بوده است - با اتحادیه عرب که قدیمی‌ترین سازمان منطقه‌ای در جهان است - اختلاف آشکاری بین سطوح همکاری و سطح ادغام منطقه‌ای وجود دارد (Del sarto & I Lecha, 2018: 2) اکنون غرب آسیا فاقد سازمان منطقه‌ای مثل اتحادیه اروپا است که بتواند برای ایجاد صلح در موارد نیاز عمل کند. تلاش‌های زیادی برای تشکیل اتحاد منطقه‌ای برای ایجاد ثبات و همکاری انجام شد اما موفق به دستیابی به نتایج موردنظر نشدند. سازمان‌های منطقه‌ای تاکنون نتوانستند نقش مؤثری در سیاست‌های منطقه بازی کنند. تلاش دولت‌های قدرتمند منطقه برای تبدیل این سازمان‌ها به ابزارهای سیاسی به نفع خود منجر شد که دولت‌های ضعیف‌تر در مورد همکاری بیشتر بی‌میل شوند (Sinkaya, 2016: 12) یکی دیگر از دلایل ضعف سازمان‌های منطقه‌ای در غرب آسیا این واقعیت است که آنها معمولاً در

واکنش به برخی تهدیدات و حوادث و نه براساس ایده‌های پایدار و الهام‌بخش ظاهر شده‌اند، بنابراین نمی‌توانیم در مورد توسعه هویت منطقه‌ای و ارزش‌های منطقه‌ای در غرب آسیا صحبت کنیم. (Oztork, 2017: 14) اقتصاد رانتی بیشتر کشورهای غرب آسیا از مهم‌ترین موانع هم‌گرایی اقتصادی منطقه‌ای است. بنابراین در حال حاضر روابط بین کشورهای منطقه در حوزه‌های مختلف در پایین‌ترین سطح ممکن است (ایمانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۸) احساس «ما بودگی» که برای ایجاد همگرایی منطقه‌ای ضروری است هیچ‌گاه در غرب آسیا تحقق نیافته است. هم‌اکنون هیچ نوع تشکیلات دسته‌جمعی که تمام کشورها را زیر لوای خود متحد سازد و مشکلات امنیتی مشترک را حل کند، وجود ندارد. این امر بیانگر عدم‌درک متقابل یا فقدان مکانیزم‌هایی است که توانایی حل‌وفصل، مهار یا جلوگیری از تشدید اختلافات کنونی به سمت قطب‌بندی بیشتر یا درگیری مسلحانه را داشته باشد. وحدت فلسفی، فکری و مفهومی بین کشورهای منطقه غرب آسیا حداقل در نیم‌قرن آتی امکان‌پذیر نخواهد بود؛ به‌قدری تعاریف با هم فرق می‌کند و به اندازه‌ای تجربیات داخلی این کشورها متغیر است که هر نوع یکپارچگی فکری را به تأخیر می‌اندازد. (سریع‌القلم، ۱۳۷۷: ۴۳)

شش. ترویج ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی

مفهوم هلال شیعی اولین بار توسط ملک عبدالله پادشاه اردن مطرح شد. او در سال ۲۰۰۴ با صدور بیانیه‌ای گفت که کشورهای عربی سنی توسط هلال شیعه که از ایران به لبنان، عراق و سوریه گسترش یافته است محاصره شده‌اند. سپس حسنی مبارک (۲۰۰۶) اعلام کرد که جمعیت شیعه منطقه به ایران احساس تعهد بیشتری دارند تا کشورهایی که در آن زندگی می‌کنند؛ سرانجام سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان اظهاراتی مشابه را مطرح کرد. (Eksi, 2017: 141) اخیراً هشدار از همین نوع توسط رئیس ارتش اردن، ژنرال «مامود فرهات»^۱ مطرح شده است که خطرات «کمربند ایرانی»^۲ را که می‌تواند منجر به پیوند ارضی ایران و لبنان از طریق عراق و سوریه شود، برجسته کرده است. اهل سنت به آنچه در غرب آسیا اتفاق می‌افتد به‌ویژه در موصل، عراق، حلب و سوریه به‌عنوان یک جنگ راهبردی طراحی شده توسط ایران برای حفاظت از «راهرو شیعی»^۳ یا «پل امپریالیستی»^۴ تعبیر می‌کنند. (Haddadin, 2017)

نگرانی درباره هلال شیعه به دلیل نگرانی در مورد افزایش قدرت و نفوذ ایران و جبهه

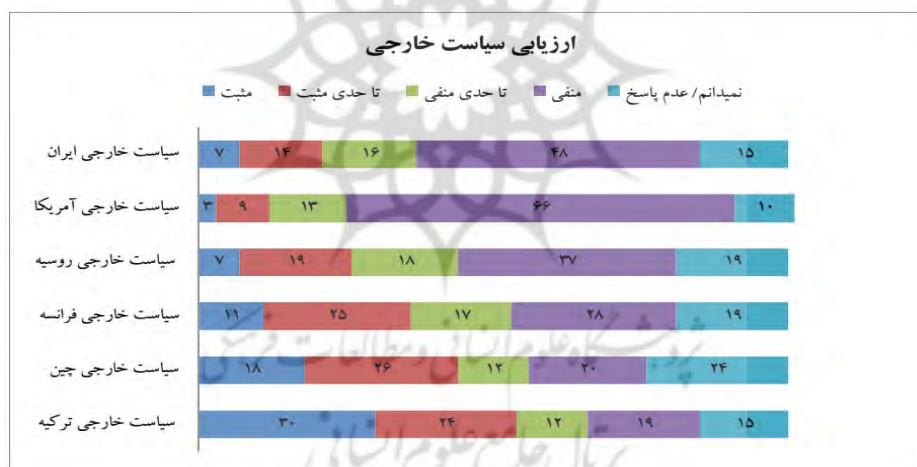
1. Mamoud Freihat.
2. Iranian Belt.
3. Shia corridor.
4. imperial bridge.

مقاومت در منطقه شکل گرفته است. آنها نگران شکل‌گیری هلال شیعه هستند، چراکه در درجه اول این امر باعث افزایش نقش شیعیان در ساختار قدرت در منطقه از طریق ایجاد اتحاد بین ایران و عراق خواهد شد. شرایط پیش‌گفته منجر به تغییر ساختار سیاسی و قدرت در منطقه علیه حاکمان سنی شده است و نیز این اتحاد درون بلوک ایران، عراق، لبنان و سوریه اتفاق افتاده که در آن حاکمان مخالف نظام سلفی هستند، چنین ارتباط راهبردی تعادل قدرت، نوع تهدید، کیفیت تهدید و میزان تهدید در منطقه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و همچنین تقویت چنین اتحادی با درک متفاوت آن درباره نقش و حضور قدرت‌های بزرگ تهدیدی برای کشورهای سنی محافظه‌کار در منطقه است. این موضوع در مورد اقلیت‌های شیعه در منطقه خلیج فارس بسیار مهم است. (Salavatian & others, 2015: 145)

بخش مهمی از گزارش «شاخص نظر عربی»^۱ (۲۰۱۸ - ۲۰۱۷) درباره سنجش افکار عمومی جهان عرب درباره سیاست‌های برخی قدرت‌های بزرگ جهانی و منطقه‌ای در غرب آسیا است. براساس نتایج حاصل از ارزیابی، در رتبه اول ۷۹ درصد پاسخ‌دهندگان نظرات منفی درباره سیاست خارجی ایالات متحده در قبال کشورهای عربی داشتند و در رتبه دوم ۶۴ درصد نگرش منفی به سیاست‌های عربی ایران داشتند.

نمودار ۱. افکارسنجی جهان عرب درباره سیاست‌های برخی قدرت‌های بزرگ در غرب آسیا

(Arab Opinion Index 2017 - 2018, 2018)



1. Arab Opinion Index.

شاخص نظر عربی بزرگ‌ترین نظرسنجی افکار عمومی در جهان عرب است. شاخص نظر عربی ۲۰۱۸ - ۲۰۱۷ براساس یافته‌های مصاحبه با ۱۸۸۳۰ فرد در ۱۱ کشور عربی است.

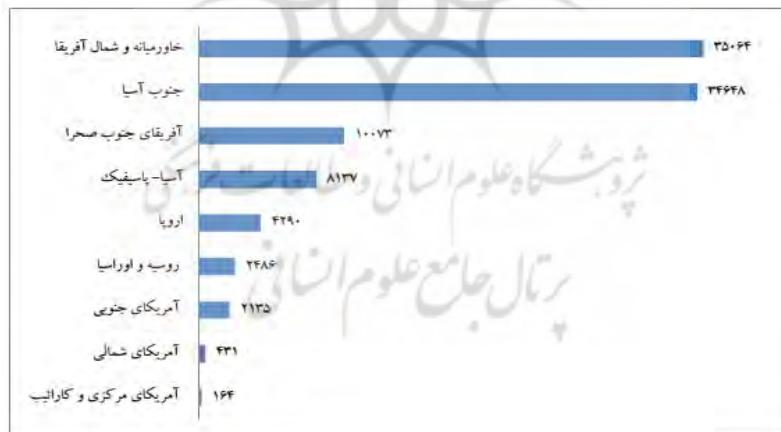
هفت. افزایش قدرت بنیادگرایان سلفی

بیشترین تهدید امنیتی در غرب آسیا تا دهه آینده از جانب تروریسم خواهد بود (Meddeb, 2017: 16) در غرب آسیا دولت‌های شکننده (پاکستان، افغانستان، عراق، سوریه، یمن) و در معرض شکنندگی (مصر، لیبی) وجود دارند که محیط گسترش بی‌ثباتی به کشورها و مناطق دیگر هستند. همچنین دولت‌های ضعیفی مانند تونس و لبنان نیز کنترل چندانی بر قلمروی خود ندارند؛ در نتیجه خاک این کشورها محلی برای آموزش، عضوگیری و اختفای افراط‌گرایان است. (کرم‌زادی، ۱۳۹۵: ۱۲۳)

از میان تمام درگیری‌های مسلحانه که از سال ۲۰۰۰ در سراسر جهان اتفاق افتاده است بیش از یک‌سوم در غرب آسیا بوده است. از زمان بیداری اسلامی تاکنون این تعداد به نصف رسیده است. تا سال ۲۰۱۶، جنگ داخلی سوریه، مرگ‌بارترین کشمکش مسلحانه قرن ۲۱ بوده است (Mundy, 2019: 240 - 241) همچنین تعداد گروه‌های جهادی سلفی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ در شمال آفریقا و شرق مدیترانه دو برابر شده است (افزایش ۵۸ درصدی) کمی پایین‌تر این آمار برای دوره بعدی بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ قابل استنتاج است (Meddeb, 2017: 16)

گروه‌های اسلامی افراط‌گرا در اثر خلأ قدرت توانستند تشکیلات قوی در منطقه ایجاد کنند و برخی مانند القاعده شاخه یمن و لیبی، جبهه النصره، دولت اسلامی سینا و داعش به شکل بی‌سابقه‌ای قدرتمند شدند. براساس گزارش «شاخص جهانی تروریسم» (۲۰۱۴) پنج کشور اول جهان که بیشترین ضربه را از فعالیت‌های تروریستی متحمل شده‌اند عراق، افغانستان، پاکستان، نیجریه و سوریه هستند. همچنین مرگ‌بارترین حملات تروریستی جهان در سال ۲۰۱۳ مربوط به فعالیت‌های تروریستی افراط‌گرایان اسلامی بوده که عموماً در منطقه غرب آسیا صورت گرفته است. (کرم‌زادی، ۱۳۹۵: ۱۱۴)

نمودار ۲. حملات تروریستی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۸ به تفکیک مناطق (www. statista. com)

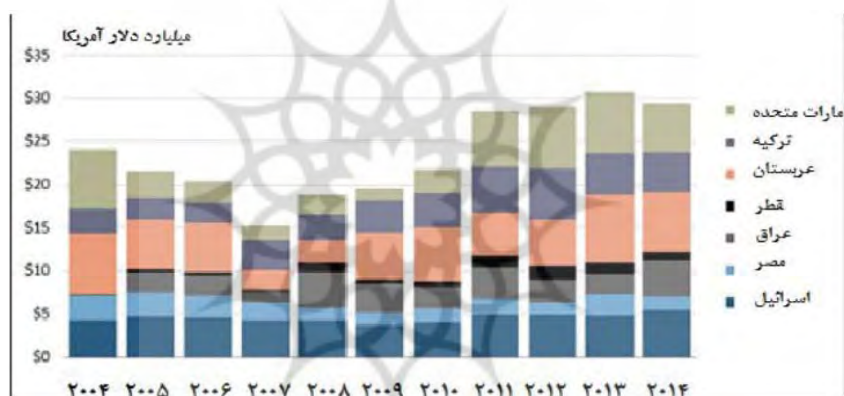


جریان‌های تکفیری - تروریستی با ایجاد بحران و بی‌ثباتی در منطقه، ایجاد دودستگی بین دولت‌های مسلمان، تغییر دشمن از آمریکا و رژیم صهیونیستی به شیعیان و کشورهای اسلامی به تضعیف محور مقاومت پرداخته‌اند. علاوه بر این به بهانه مقابله با فعالیت گروه‌های تکفیری کشورهای فرامنطقه‌ای مانند آمریکا در قالب ائتلاف بین‌المللی ضد تروریسم مجدداً به عراق برگشتند و حاکمیت سرزمینی سوریه را به دفعات نقض کرده و فعالیت خود را در منطقه افزایش داده‌اند. (همان، ۱۲۷ - ۱۲۴)

هشت. افزایش رقابت‌های تسلیحاتی

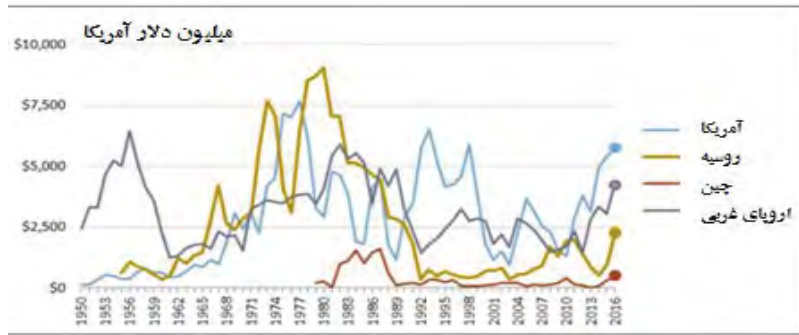
کشورهای غرب آسیا بزرگ‌ترین واردکنندگان اسلحه در جهان هستند که این روند در حال افزایش است. واردات اسلحه در غرب آسیا از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷، ۱۳۰ درصد افزایش یافته است. بزرگ‌ترین خریداران تسلیحات، عربستان، قطر، امارات و ترکیه هستند. (ایمانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۳) براساس گزارش «سیبری» از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ هند ۱۳ درصد واردات سلاح در جهان را به خود اختصاص داده و رتبه‌های بعدی مربوط به عربستان، امارات، چین و الجزایر است. (جعفری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳) سه کشور عربستان، قطر و امارات متحده عربی در سال ۲۰۱۵، ۱۱۳ میلیارد دلار اسلحه خریده‌اند. (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۲۲)

نمودار ۳. واردات سلاح برخی کشورهای غرب آسیا



به موازات این افزایش کشورهای منا در کنار عرضه‌کنندگان سنتی (آمریکا، اروپای غربی و روسیه) به دنبال متنوع‌سازی منابع خرید خود از بازیگران در حال ظهور (چین، هند، اندونزی، پاکستان، آفریقای جنوبی، ترکیه، اوکراین) - که نسبت به عرضه‌کنندگان سنتی مایل به انتقال فناوری‌اند - هستند (Biscop & Sassel, 2017: 3) بنابراین گرچه آمریکا بزرگ‌ترین تأمین‌کننده اسلحه در غرب آسیا است، سایر تولیدکنندگان مثل روسیه، فرانسه و چین نقش کلیدی در منطقه ایفا می‌کنند. (Thomas, 2017: 3)

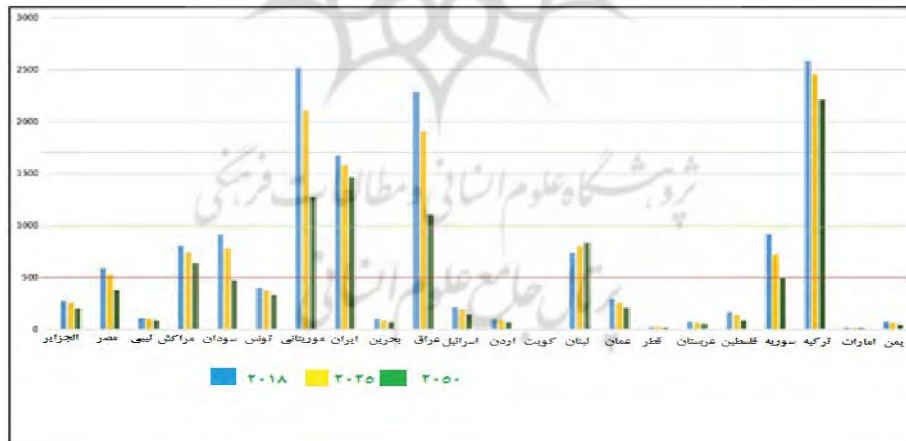
نمودار ۴. مهم‌ترین کشورهای صادرکننده سلاح به غرب آسیا ۲۰۱۶ - ۱۹۵۵



نه. گسترش بحران در منابع؛ بحران آب و محیط زیست

امروز مسائل زیست محیطی در غرب آسیا از اهمیت راهبردی برخوردارند. با توجه به پیامدهای گسترده و اجتناب‌ناپذیر چالش‌های زیست محیطی این مسائل به موضوعی اساسی در منطقه تبدیل شده‌اند. امروز آب به‌عنوان یک موضوع ژئوپلیتیک تجلی یافته و بر روابط کشورها تأثیر می‌گذارد. (مختاری هشی، ۱۳۹۲: ۵۴ - ۵۳) منا کم‌آب‌ترین منطقه جهان است که هفده کشور در آن در زیر خط فقر آب قرار دارند، این منطقه با شش درصد جمعیت جهان تنها یک درصد از منابع آب شیرین جهان را دارد. (Scott, 2019) مسائلی چون محدود بودن منابع آب، رشد فزاینده جمعیت، رشد شهرنشینی، افزایش تقاضا برای مواد غذایی، هزینه بالای تصفیه مجدد آب‌های آلوده و ناتوانی در انجام مفاد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی آب، از عوامل بروز و تداوم بحران آب در غرب آسیا است. (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۸) مطابق نمودار تمام اقتصادهای منا غیر از ترکیه تا ۲۰۵۰ با کمبود آب مواجه خواهند شد (Keulertz, 2019: 2)

نمودار ۵. سرانه دسترسی به آب ۲۰۱۸، ۲۰۲۵ و ۲۰۵۰ (Keulertz, 2019: 3)



سه دهه پیش پطروس غالی پیش‌بینی کرد که جنگ بعدی در غرب آسیا بر سر آب خواهد بود (Arab Center Washington DC, 2019: 14) کنترل آب، منبع اصلی تنش در منطقه و اختلافات ارضی است. بحران آب رابطه سه کشور ترکیه، سوریه و عراق را تحت‌تأثیر قرار داده است؛ شورش در سوریه تا حدی ناشی از خشکسالی بود که صدها هزار نفر از کشاورزان فقیر سوریه را به شهرها فرستاد. کمبود منابع زیست‌محیطی موجب گسترش جنگ داخلی در سوریه، یمن و سودان شد. اردن و کشورهای حوزه خلیج فارس جزء نگران‌کننده‌ترین کشورها در زمینه کمبود آب در جهان هستند. (Babbitt and others, 2017: 43)

بنابر تحقیقات «مؤسسه علوم جوی و تغییر اقلیم»، اگر روند تغییرات آب و هوایی همچنان ادامه یابد در طول یک قرن ترکیب دما و رطوبت بالا در منطقه خلیج فارس شرایطی را ایجاد می‌کند که زندگی در این منطقه عملاً غیرقابل‌تحمل می‌شود. افزایش دمای هوا نه‌تنها در عربستان که تهدید بزرگی برای کشورهای کویت، ایران، لیبی و یمن نیز خواهد بود. مطابق ارزیابی دانشمندان «پانل بین دولتی تغییر اقلیم سازمان ملل» پیش‌بینی شده که منا در حال تبدیل به منطقه‌ای خشک‌تر و گرم‌تر است. افزایش دما و کمبود بارندگی و خشکسالی‌های متوالی در این منطقه شدت گرفته و تخمین زده شده تا سال ۲۰۵۰، ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون نفر در معرض تنش شدید آبی قرار خواهند گرفت و منابع آب زیرزمینی با کاهش چشمگیری مواجه خواهد شد. کاهش چشمگیر میزان تولید محصولات کشاورزی، افزایش بیابان‌زایی، افزایش خسارت ریزگردها، طوفان نمک و شن، افزایش بیماری‌های تنفسی و سرطانی، سوء تغذیه و کاهش منابع درآمدی از نتایج کاهش منابع آبی در منطقه خواهد بود. (قدسی، ۱۳۹۷: ۲۱۸)

ده‌افزایش دولت‌های ناکامیاب و فدرالیزه شدن کشورها

دولت‌های ناکامیاب از مهم‌ترین مشکلات امنیتی در غرب آسیا هستند که این تهدید در پی اعتراض‌های عربی مشهودتر نیز شده است. دولت‌های حاکمیت‌دار در نظام بین‌المللی و ستفالیایی باید کارویژه‌های حداقلی را در زمینه تأمین رفاه و امنیت شهروندان‌شان و عملکرد بی‌دردسر در نظام بین‌المللی به انجام برسانند. دولت‌هایی که نتوانند این استانداردهای حداقلی را تأمین کنند، «ضعیف» و «شکننده» توصیف می‌شوند؛ دولت‌هایی که وضع وخیم‌تری دارند، برچسب «ناکامیاب» یا «فروپاشیده» می‌خورند. «رابرت فیسک» اشاره می‌کند که دولت‌ها در غرب آسیا شکننده هستند زیرا در ابتدا توسط قدرت‌های غربی شکننده تأسیس شده‌اند. (Oztork, 2017: 12)

از نظر «رابرت جکسون» دولت‌های ناکامیاب نمی‌توانند از شرایط مدنی حداقلی یعنی صلح، نظام و

امنیت در سطح داخلی حراست کنند. از نظر «ترتیب»، دولت‌های ناکامیاب دولت‌هایی پرتنش، منازعه‌آلود، خطرناک و صحنه کشمکش جناح‌های در حال جنگ هستند. (طالبی آرنی و زرین نرگس، ۱۳۹۶: ۷۹) مطابق با آمار سال ۲۰۱۹، براساس «شاخص دولت‌های شکننده»^۱ یمن در فهرست شکننده‌ترین کشور قرار دارد (Broom, 2019)، سوریه و یمن به‌عنوان کشورهای «هشدار بسیار بالا» و عراق به‌عنوان «هشدار بالا» رده‌بندی شده‌اند (9: 2019 the Middle East & North Africa Landscape). نکته مهم درباره دولت‌های ناکامیاب این است که یک معضل صرفاً محلی نیست بلکه آثار و پیامدهای منطقه‌ای دارد، بنابراین، یک تهدید جدی برای غرب آسیا است.

یازده. مداخله‌گرایی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در غرب آسیا

منطقه غرب آسیا به‌دلیل اهمیت راهبردی و منابع عظیم انرژی همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. در حال حاضر سه بازیگر اصلی فرامنطقه‌ای درگیر پویایی‌های قدرت در غرب آسیا هستند؛ آمریکا، روسیه و چین. مداخله نظامی، سیاسی و امنیتی این بازیگران خارجی منطقه را تا حد زیادی به منافع، اصول و سیاست‌های آنها وابسته می‌کند. غرب آسیا در قرن ۱۹ و ۲۰ عرصه رقابت قدرت‌های امپریالیستی اروپای غربی و روسیه تزاری بود. در اواسط قرن ۲۰ نفوذ قدرت‌های اروپای غربی در غرب آسیا رو به زوال رفت. جنگ جهانی دوم کشورهای اروپایی را ویران کرد؛ انگلیس و فرانسه فضا را برای ایالات متحده باقی گذاشتند که به قدرت غالب در منطقه تبدیل شود (Zulfqar, 2018: 126).

دوران جنگ سرد عرصه رقابت ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی در غرب آسیا بود. با فروپاشی شوروی، آمریکا تبدیل به کارگزار اصلی نظم تک‌قطبی منعطف دوره پس از جنگ سرد شد و به موقعیت برتری در منطقه دست یافت. اکنون آمریکا در منطقه دارای پایگاه‌های نظامی است و ده‌ها هزار نفر از نیروهای آمریکایی در منطقه مشغول فعالیت هستند. آمریکا طی بیش از دو دهه اخیر مداخله‌گرایی اثرگذاری بر کارگزاران، روندها و الگوهای رابطه‌ای در غرب آسیا داشته است؛ دخالت‌های آمریکا در پویایی‌های منطقه به‌ویژه در جنگ داخلی سوریه، جنگ‌های لیبی و عراق و بحران یمن قابل مشاهده است، اما این موقعیت در سال‌های اخیر در عرصه بین‌الملل و غرب آسیا تضعیف شده است. سردرگمی راهبردی، عدم‌توانایی پیشبرد اهداف، کاهش توان روندسازی و مدیریت روندها، اختلاف با متحدان و مقاومت سایر بازیگران در برابر یک‌جانبه‌گرایی‌های آن از نشانه‌های این ضعف است. (نوری، ۱۳۹۸: ۸۰)

1. Fragile States Index.

در این میان روسیه و چین دو کشوری هستند که خواهان نقش جهانی هستند و راهبردهایی با هدف مداخله در منطقه ندارند. روسیه در تلاش است تا دوباره قدرت خود را احیاء کند و چین تلاش می‌کند تا برای اولین بار در تاریخ به بازیگر مهم منطقه تبدیل شود (Kouskouvelis, 2017: 84) در سال‌های اخیر، روسیه در صدر معادلات قدرت منطقه قرار داشته است. روسیه اکنون برای حفاظت از اتحاد قدیمی خود با اسد دخالت سنگینی در سوریه دارد. اما این کشور موارد دیگری نیز در دستور کار خود دارد، بازار نظامی منطقه یکی از آنها است، همچنین سعی در دور کردن منطقه از نفوذ ایالات متحده دارد. (Hussain & Javad, 2018: 166)

چین نیز هرچند در حال حاضر نقش مهمی در روندهای منطقه‌ای ندارد و در مقایسه با روسیه تمایلی به دخالت تنش‌زا ندارد اما روابط اقتصادی و دیپلماتیک خود را در منطقه گسترانده و توسعه بیشتر این منافع دخالت آن در مسائل آتی منطقه را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. (نوری، ۱۳۹۸: ۸۲ - ۸۰) با توجه به سرمایه‌گذاری کلان پکن در غرب آسیا، گردش مالی سنگین این کشور در منطقه علاوه بر دسترسی بیشتر نفوذ گسترده‌تر نیز به دنبال داشته است. براساس این، با توجه به ادراک تغییرات امنیتی در واشنگتن و علاقه جدید دیگر بازیگران جهانی به منطقه به‌ویژه روسیه، آمریکا از «تنها» قدرت در غرب آسیا به یک قدرت - البته پیشرو - در میان دیگران تبدیل شده است. (Csicsmann, 2017: 6)

نتیجه

بررسی نظریه‌ها، شاخص‌ها و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر قدرت یک کشور نشان‌دهنده اهمیت عوامل ژئوپلیتیکی در تعیین جایگاه آن کشور در نظام قدرت منطقه‌ای و جهانی است. سنجش مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی قدرت ایران و مقایسه آن با سایر کشورها در غرب آسیا، اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد. در این راستا، در کنار لزوم توجه به مزیت‌های ژئوپلیتیکی، ارتقای جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام قدرت منطقه‌ای و رسیدن به نظم مطلوب مستلزم شناسایی و تحلیل خطرات ژئوپلیتیکی پیش‌روی کشور در منطقه غرب آسیا است. غرب آسیا بیش از هر چیز یادآور منازعه است و الگوهای نظم منطقه‌ای در این مجموعه امنیتی همواره در وضعیتی مبهم، سیال و متغیر قرار داشته است. منازعات منطقه‌ای را می‌توان در قالب اختلاف‌های مذهبی - ایدئولوژیک، منازعات قومی، قبیله‌ای، مناقشه اعراب و رژیم صهیونیستی، اختلاف بر سر منابع آب، نفت و گاز و قیمت آنها مطرح کرد. همچنان که اختلاف بر سر دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مناسبات منطقه همواره وجود داشته و موجب شکل‌گیری چشم‌اندازهای مختلف در خصوص الگوی نظم منطقه‌ای شده است.

در این پژوهش خطرات ژئوپلیتیکی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران در افق ۲۰۲۵ شناسایی شد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: افزایش تنش میان ایران و عربستان، افزایش تقابل آمریکا و ایران، تشدید رقابت‌های مذهبی و قومی، توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی، کاهش سطح همگرایی در منطقه، ترویج ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، افزایش قدرت بنیادگرایان، افزایش رقابت‌های تسلیحاتی، گسترش بحران در منابع، افزایش دولت‌های ناکامیاب و مداخله‌گرایی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در غرب آسیا. خطرات ژئوپلیتیکی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران کاملاً پیچیده و درهم‌تنیده است. افزایش ایران‌هراسی زمینه برای گسترش نفوذ آمریکا در منطقه و افزایش فروش تسلیحات به کشورهای عربی را فراهم می‌کند. نظم مطلوب آمریکا در منطقه افزایش قدرت رژیم صهیونیستی در منطقه است. مداخلات فرامنطقه‌ای سازوکارهای مدیریت بومی - منطقه‌ای و استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌گرایی را تضعیف می‌کند. از طرفی تنش بین ایران و عربستان رقابت‌های فرقه‌ای و ایدئولوژیک را تشدید و زمینه برای افزایش قدرت و نفوذ آمریکا در منطقه و تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران را فراهم می‌آورد.

براساس مهم‌ترین خطرات ژئوپلیتیکی استخراج‌شده در پژوهش ارتقای جایگاه و وضعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا مستلزم کاهش تنش در رابطه ایران و عربستان، کاهش نفوذ آمریکا در غرب آسیا، توجه به آموزه‌های دینی مشترک در راستای کاهش رقابت‌های مذهبی و قومی، معرفی رژیم صهیونیستی به‌عنوان دشمن مشترک دولت‌ها و ملت‌های منطقه، ایجاد نظام اقتصادی، سیاسی و امنیتی مشترک در منطقه، کاهش ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، همکاری منطقه‌ای در راستای مبارزه با تروریسم، کاهش خریدهای تسلیحاتی در منطقه، اتخاذ سازوکارهای منطقه‌ای به منظور حفاظت از محیط زیست، کمک به دولت‌های شکست‌خورده و جلوگیری از تجزیه کشورهای منطقه‌ای و کاهش مداخله‌گرایی قدرتهای فرامنطقه‌ای در امور منطقه است. برون‌رفت از چالش ایران‌هراسی با استفاده از دیپلماسی فرهنگی و برنامه‌ریزی در زمینه‌های آموزشی و هنری و معرفی صحیح آموزه‌های شیعی و تأکید بر اشتراکات دینی و تقویت پیوندهای فرهنگی امکان‌پذیر است. می‌توان همگرایی در سطح منطقه را با تقویت مبادلات اقتصادی و ایجاد چارچوب‌های مشترک برای همکاری و مذاکره برای حل و فصل چالش‌های سیاسی - امنیتی تقویت نمود. این عوامل خودبه‌خود زمینه برای کاهش نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا در منطقه، کاهش تنش بین بازیگران منطقه‌ای به‌ویژه ایران و عربستان، کاهش خرید تسلیحات هسته‌ای، کاهش قدرت تروریسم و انزوای بیشتر رژیم صهیونیستی در منطقه را فراهم می‌کند.

منابع و مآخذ

۱. ایزدی، جهانبخش و حمیدرضا اکبری، ۱۳۹۵، «اسلام سیاسی و نظم امنیتی غرب آسیا»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۹، ش ۳۵.
۲. البرزی دعوتی، هادی و اکبر نصراللهی، ۱۳۹۷، «تحلیل روندها و پیشران‌های مؤثر بر خبر صدا و سیما در ۵ سال آینده»، *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ش ۹۴.
۳. کاظمی، حجت و مریم نظامی، ۱۳۹۹، «روندهای کلان منطقه‌ای و چشم‌انداز توسعه در خاورمیانه»، *دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام*، دوره ۸، ش ۱.
۴. کرمزادی، مسلم، ۱۳۹۵، «سلفی‌گرایی جهادی - تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه»، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ش ۱۸.
5. Arab opinion index 2017-2018, 2018, Main Results in Brief, Arab Center Washington DC
6. Babbitt, Eileen and others, 2017, Negotiating Conflict in the Middle East and North Africa, Harvard Kennedy School Negotiation Project, Cambridge, MA.
7. Bakr, Noha, 2013, Security Challenges in the Middle East, Arms Control: Does it have a Future Russian Political Science Association, ROSSPEN Publisher Moscow.
8. Biscopand, Sven and Sassel Julien, 2017, Military Factors in the MENA Region: Challenging Trends, MENARA Project, No 6.
9. Broom, Douglas, 2019, These are the world's most fragile states in 2019, Available at: <https://www.weforum.org/agenda/2019/04/most-fragile-states-in-2019-yemen>,
10. Burrows, Mathew J., 2014, Middle East 2020: Shaped by or Shaper of Global Trends? Atlantic Council,
11. Csicsmann, L. & others, 2017, the MENA Region in Global Order: Actors, Contentious Issue and Integration Dynamics, MENARA (4).
12. Dario Caldara, and Iacoviello, Matteo, 2018, Measuring Geopolitical Risk, International Finance Discussion Papers 1222. <https://doi.org/10.17016/IFDP.2018.1222>.
13. EKŞİ, M., 2017, Regional Hegemony Quests in the Middle East from the Balance of Power System to the Balance of Proxy Wars: Turkey as Balancing Power for the Iran - Saudi Rivalry, Akademik Bakış, Volume 11 (21).
14. -Europe & Iran in a Fast-Changing Middle East, 2019, Foundation for European Progressive Studies (FEPS) and Istituto Affari Internazionali (IAI), Edizioni Nuova Cultura, Rome.
15. Goll, E & others, 2019, Imagining Future (s) for the Middle East and North Africa, MENARA Final Report, No. 2.
16. Hodek, Jakub and Panadero Miguel, 2019, Iran Strategic Report, Center for Global Affairs & Strategic Studies, Universidad de Navarra.
17. Holmquist, Erika and Rydqvist, John (2016), The Future of Regional Security in the Middle East, FOI-R-4267-SE.

18. I lecha, E. S. & others, 2016, Re-conceptualizing orders in the Mena Region, the Analytical Framework of the Menara Project, Methodology and concept papers.
19. Keulertz, Martin, 2016, Material Factors for the MENA Region: Data Sources, Trends and Drivers, Methodology and Concept Pappers, MENARA Project.
20. Kortunov, Andrey, 2019, the Future of Middle East: Horizons of Challenges & Opportunitise, Available at <http://russiancouncil.ru>.
21. -Meddeb, H. & others, 2017, Regional and Politics Religouse Diversity, Political Fragmentation and Geopolitical Tentions in the MENA Region, MENARA, No. 7 December,
22. Mulligan, Mark and others, 2017, Environmental Factors in the MENA Region: a SWOT Analysis, MENARA Project, No 4.
23. Mundy, Jacob, 2019, The Middle East is Violence: On the Limits of Comparative Approaches to the Study of Armed Conflict, Civil Wars, Published by Informa UK Limited, trading as Taylor & Francis Group.
24. Osiewicz, Przemysław, 2016, Ideological Determinants of the Current Saudi-Iranian Rivalry in the Middle East, Przegląd Politologiczny, Published by Uniwersytet Adama Mickiewicza, Issue No: 2, 115-125.
25. Sinkaya, B., 2016, Introduction to Middle East Politics: Leading Factors, Actors and Dynamics, ORSAM RESOURCE (1).
26. Soleri, E. & others, 2016, Re-conceptualizing Orders in the MENA Region the Analytical Framework of the MENA Projejt, Menara, No. 1.
27. Zulfqar, Saman, 2018, Competing Interests of Major Powers in the Middle East: The Case Study of Syria and Its Implications for Regional Stability, PERCEPTIONS, Volume XXIII, Number 1, 121-148.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی